

نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده
سال پانزدهم، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۹: ۲۳ - ۷

رابطه کیفیت ارتباط والد - فرزندی با خودکنترلی دانش‌آموزان با واسطه‌گری ارتباط مبتنی بر حل مسئله؛ ارائه یک الگوی علی

محمد سجاد صیدی^۲

فهیمه زینعلی^۱

روژین مرادی فرد^۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۰۴

چکیده

پژوهش با هدف تعیین نقش واسطه‌ای ارتباط مبتنی بر حل مسئله در رابطه کیفیت ارتباط والد - فرزندی با خودکنترلی دانش‌آموزان انجام شد. جامعه آماری پژوهش را تمام دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۶ شهرستان کرمانشاه دربرگرفت. ۲۴۰ نفر از دانش‌آموزان با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند و داده‌ها به روش تحلیل مسیر مورد آزمون قرار گرفت. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌های ارتباط والد - فرزند بارنس، اولسون (۱۹۸۲)، خودکنترلی هامفرید، (۱۹۸۲) و ارتباط مبنی بر حل مسئله توسط مک کوبین، تامپسون و مک کوبین، (۱۹۹۶) جمع‌آوری شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق از روشهای آمار توصیفی و آمار استنباطی برای طراحی یک الگوی مناسب از تحلیل مسیر پیش‌بینی خودکنترلی در دانش‌آموزان استفاده شده است. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که ارتباط مبنی بر حل مسئله در رابطه با ارتباط والد - فرزندی و خودکنترلی نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کند. نتایج پژوهش مؤید این است که کیفیت ارتباط والد - فرزندی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با واسطه‌گری ارتباط مبنی بر حل مسئله بر خودکنترلی تأثیر دارد؛ لذا می‌توان با تقویت تبادلات باز و صریح بین والدین و فرزندان مهارت کنترل و مدیریت رفتارها و هیجانات را در دانش‌آموزان ارتقا بخشید.

کلیدواژه‌ها: ارتباط والد - فرزندی، بازبودن در رابطه - ارتباط مبتنی بر حل مسئله، خودکنترلی.

zeynali110135@gmail.com

Sey110@hotmail.com

m3871203@gmail.com

۱. کارشناسی مشاوره، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه مشاوره، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۳. کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مقدمه

نوجوانی، دوره انتقالی است که با تغییرات جسمی و روانی - اجتماعی مشخص می‌شود. اگرچه بیشتر نوجوانان با موفقیت این دوره را سپری می‌کنند، اقلیت قابل توجهی از نوجوانان، پریشانی را تجربه می‌کنند (لی، سلکونی و دلوکیو^۱، ۲۰۱۹)؛ همچنین دوره مشخص و محوری از زندگی است که تغییرات و رشد چشمگیری در هر سطح از عملکرد دارد. آنچه در دوران نوجوانی اتفاق می‌افتد بر مسیر امنیت اقتصادی، بهداشت، رفاه و پیشرفت در ادامه زندگی نوجوانان تأثیرات عمیق و طولانی دارد (پاتون، سویر، سنتیل، راس و همکاران^۲، ۲۰۱۶). همچنین دوره‌ای حساس است که با شیوع فزاینده رفتارهای پرخطر، عملکرد جسمی و روانی نوجوانان را در طول دوره زندگی آنها به خطر می‌اندازد (کیسی، جان و هیر^۳، ۲۰۰۸)؛ لذا مطالعات بسیاری خودکنترلی را یکی از عوامل خنثی‌کننده مشکلات رفتاری نوجوانان داشته‌اند (کاسپی، هوت، بلسکی، هارنتون و همکاران^۴، ۲۰۱۶؛ موفیت، آرسنلت، بلسکی، دیکسون و همکاران^۵، ۲۰۱۱).

خودکنترلی را می‌توان انتخاب طبیعی رفتاری پسندیده در مقابل رفتار ناپسند تعریف کرد (آگباریا و نیچر^۶، ۲۰۱۸) و نیز توانایی کنترل احساسات، رفتار و افکار تحریک‌کننده به‌منظور انطباق با استانداردهای اجتماعی و کسب اهداف بلندمدت است که در رشد مثبت نوجوانان نقش مثبتی دارد (آگباریا و دیگران، ۲۰۱۸؛ ون پروین، هاتمن، ملدر و ونیکن^۷، ۲۰۱۸). بررسی جنبه‌های خودکنترلی، موجب گذر نوجوانان از چالش‌های بیولوژیکی و اجتماعی هنجاری، افزایش رفتارهای خطرپذیر و پریشانی عاطفی است (لی، ویلیام، استوک و دیکوویچ^۸، ۲۰۱۹). ون پروین و دیگران (۲۰۱۸) دو جنبه را برای خودکنترلی از یکدیگر متمایز کرده‌اند: خودکنترلی از جنبه شناختی که با توانایی تغییر و تمرکز بر توجه مشخص می‌شود. خودکنترلی از جنبه رفتاری که با مهار رفتار نامطلوب مشخص می‌شود. در واقع خودکنترلی بر توانمندی نوجوانان در سطح بالای پیشرفت تحصیلی، کاهش مصرف مواد مخدر و الکل، کاهش نمایش رفتارهای ضداجتماعی و مشکلات

-
1. Li, Salcuni & Delvecchio
 2. Patton, Sawyer, Santelli & Ross
 3. Casey, Jones & Hare
 4. Caspi, Houts, Belsky & Harrington
 5. Moffitt, Arseneault, Belsky, Dickson & Hancox
 6. Agbaria, & Natur
 7. van Prooijen, Hutteman, Mulder & van Aken
 8. Li, Willems, Stok & Deković

عاطفی و رفتاری کمتر ناظر است (ترجوس - کاستیلو و وزسونی^۱، ۲۰۰۶؛ سیتو، لی و داو، ۲۰۱۶؛ لی، دلچچو، لیس، نی و همکاران^۲، ۲۰۱۵؛ پدیلا - واکر و کریستنسن^۳، ۲۰۱۱؛ گالا و وداک ورث^۴، ۲۰۱۵). کرمن، ون تیجل، ونیکن و دیکویچ^۵ (۲۰۰۶) در زمینه ارتباط والد - فرزندی در پژوهش خود نشان داده‌اند رفتارهای بزهکارانه و تسلیم‌شدن در برابر رفتارهای وسوسه‌آمیز از جمله مشکلاتی است که تصور می‌شود از پایین‌بودن سطح خودکنترلی منتج می‌شود. جانسن، آیکلسیم، دیکویچ و برینسما^۶ (۲۰۱۶) با مطالعه درباره ۶۰۳ نوجوان، میان خودکنترلی و کیفیت ارتباط والد - فرزند رابطه معنی‌داری به دست آوردند. در این راستا یافته‌های ویلمز، دزیو، ون - بجسترل، بوسما و همکاران^۷ (۲۰۱۸)؛ فریه و شیلدبرگ - هاریش^۸ (۲۰۱۶)؛ ترجوس - کاستیلو و همکاران (۲۰۰۶) بیانگر این است که نوجوانان، خودکنترلی خود را به صورت کاهش رفتارهای انحرافی و رفتارهای پرخطر، کاهش مصرف دارو و الکل نشان می‌دهند. گاتفرسون و هریچ^۹ (۱۹۹۰) در بررسی خود نشان داده‌اند که نوجوانان با سطح پایین خودکنترلی با ویژگی‌هایی هم چون تکانشی‌بودن، خطرپذیری، کمبود بینش رابطه معناداری دارد.

پژوهشگران در مورد علت و تأثیرات رابطه خودکنترلی و ارتباط والد - فرزندی، چنین مطرح می‌کنند که افرادی که ارتباط باز والد - فرزندی دارند، خودکنترلی را نیز دارند. افرادی که خودکنترلی خوبی دارند، رفتارهای اجتماعی مطلوب و کمتر تکانشی دارند که این موارد آسان‌کننده روابط آنها با والدینشان است (ملدروم، یانگ، هی و فلکسون^{۱۰}، ۲۰۱۲). در این میان برخی مطالعات بر اهمیت نقش والدین و شیوه‌های تعامل آنها با فرزندان و نیز نقش حمایتی آنها در تقویت خودکنترلی فرزندان صحنه‌گذارده است (وندلر پل، گرون ولد، ون بارکل، ایندندایک^{۱۱}، ۲۰۱۹). این مطالعات بیان می‌کند که خودکنترلی مهارتی است که در خانواده و ارتباط با والدین آموخته می‌شود. خانواده محور اصلی تربیت انسان است. فرزندان درسهای اصلی

1. Trejos-Castillo & Vazsonyi
2. Situ, Li & Dou
3. Li, Delvecchio, Lis & Nie
4. Padilla-Walker & Christensen
5. Galla & Duckworth
6. Karreman, Van Tuijl, van Aken, & Deković
7. Janssen, Eichelsheim, Deković, & Bruinms
8. Willems, de Zeeuw, van Beijsterveldt, Boomsma, Bartels, Finkenauer
9. Friehe, Schildberg-Hörisch
10. Gottfredson & Hirschi
11. Meldrum, Young, Hay & Flexon
12. van der Pol, Groeneveld, van Berkel & Endendijk

و اساسی خود را از خانواده می‌گیرند محققان معتقدند یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر خودکنترلی نوجوانان، ارتباط والد - فرزندی است (برجت، برد، ادوارد و دیتز - دکارت^۱، ۲۰۱۵؛ سامروف^۲، ۲۰۱۰).

کیفیت ارتباط والد - فرزندی، که شامل ارتقای ساختار خانواده است به درگیریهایی مثبت والدین با فرزندان و ضعیف‌بودن تعارض والد - فرزندی مربوط و پیوند عاطفی کودک با والدینشان است. ضعیف‌بودن کیفیت ارتباط والد - فرزندی با درونی کردن مشکلات در بزرگسالی ارتباط تنگاتنگی دارد. صمدی و سهرابی (۲۰۱۶) معتقدند خانواده به‌عنوان اولین محیط اجتماعی در ایجاد شخصیت و اجتماعی‌شدن فرزندان نقش اساسی دارد. بنابراین ارتباط باز والد - فرزندی در خانواده بویژه در سالهای اول کودکی، پیش‌بینی‌کننده مهمی برای بررسی وضعیت روانی، چگونگی برقراری ارتباط با همسالان و بزرگسالان، رشد شناختی و موفقیت‌های تحصیلی است. شواهد نشان می‌دهد که مهمترین روابط و مناسبات فرد در طول گستره زندگی چگونگی روابط والد - فرزند است (وایمز و پلهام^۳، ۲۰۱۰؛ برور و اسپارکر^۴، ۲۰۱۲). تاکنون محققان بسیاری تأثیر روابط والد - فرزندی را بر خودکنترلی مورد بررسی قرار داده‌اند. جانسون و همکاران (۲۰۱۶)؛ فینکاور، انجلس و باومیستر^۵ (۲۰۰۵)؛ ازمیر، وزسونی و کاک^۶ (۲۰۱۳)؛ وزسونی و بلستون^۷ (۲۰۰۷) در تحقیق خود ارتباط روابط والد - فرزندی را با خودکنترلی نوجوانان نشان دادند. ارتباطات خانوادگی سالم (به‌عنوان مثال نظارت، نظم و انضباط مداوم، حمایت، کنترل مثبت و فرزندپروری مقتدرانه) از شرایط لازم و ضروری برای خودکنترلی نوجوانان است. والدین با استفاده از راهکارهای مثبت والدگری، استانداردهای روشنی را برای چگونگی رفتار فرزندان، کنترل بموقع و مداوم رفتار نامطلوب فرزندان و راهنمایی آنها در حل مشکلاتشان فراهم می‌آورند که به درونی‌کردن تدریجی دیگر قوانین در فرزندان و در نهایت رشد خودکنترلی در نوجوانان منجر خواهد شد (پوتنم، اسپریتز، استیفر^۸، ۲۰۰۲). والدینی که ارتباطات بسته را در روابط با فرزندان به کار می‌برند، نوجوانان را از فرصتهای لازم تعیین راهبرد خودکنترلی محروم می‌کنند

1. Bridgett, Burt, Edwards & Deater-Deckard
2. Sameroff
3. Wymbs & Pelham
4. Brewer & Sparkes
5. Finkenauer, Engels & Baumeister
6. Özdemir, Vazsonyi & Cok
7. Vazsonyi & Belliston
8. Putnam, S. P., Spritz

(گرونیك، مك مينامی و كورفسكى^۱، ۱۹۹۹) و محیط خانوادگی تنش‌زایی به وجود می‌آورند که قوانین اجتماعی درونی شده نوجوانان را به خطر می‌اندازد (سیلورمن، راگوسا^۲، ۱۹۹۰). در تعارض با این شواهد می‌توان گفت برخی از محققان ارتباطی را بین خودکنترلی و روابط والد - فرزندی نیافتند (باردستو، کریولد و وان ست^۳، ۲۰۱۷). بنابراین در خانواده‌هایی که انسجام و همبستگی و تعادل قوی، و ارتباط افراد از نوع باز است، این افراد توانایی زیادی در حل مسئله دارند (سمیونیک، براون و ریچ^۴، ۲۰۱۶). ارتباط مشکل‌ساز والد - فرزند منبع مهمی برای رفتارهای پرخاشگرانه در دوران نوجوانی است (یه، تسای، سو و لین^۵، ۲۰۱۴). کارسانو، میجرانو و چمپرتی^۶ (۲۰۰۶) معتقدند ارتباط باز و پایدار والد - فرزند برای تحول روانی - اجتماعی بهنجار کودکان و نوجوانان برای تمام سالهای زندگی حیاتی است؛ زیرا روابط باز و کارآمد، منبع مهمی برای رویارویی با تنیدگی و استفاده از شیوه حل مسئله و انعطاف‌پذیری را در اختیار فرد قرار می‌دهد. مجموعه مطالب در زمینه بررسی چگونگی تأثیرگذاری ارتباط والد - فرزندی بر خودکنترلی نوجوانان قابل تأمل و پژوهش است. نقش متغیرهای واسطه‌ای در ارتباط والد - فرزندی بر خودکنترلی مؤثر است. هال کویست، هیپ ول و استپ^۷ (۲۰۱۵) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که میان ارتباط والد - فرزندی با خودکنترلی رابطه وجود دارد و والدینی که ارتباط ضعیفی با فرزندان خود دارند، مانع پیشرفت خودکنترلی در نوجوانان خواهند شد. از طرفی حل مسئله می‌تواند نقش واسطه‌ای را در این میان داشته باشد. حل مسئله به‌عنوان فرایند شناختی و رفتاری خود راهبر تعریف می‌گردد که در آن فرد برای تعیین یا کشف راه‌حلهای انطباقی و مؤثر برای مشکلات خاص تلاش می‌کند، که در زندگی روزمره با آنها روبه‌رو می‌شود (دمیرچی، اسدی شیشه‌گران و اسماعیلی قاضی و لویی، ۱۳۹۶). اروزکان^۸ (۲۰۱۳) حل مسئله را فرایندی می‌داند که شامل شناخت و شناسایی وضعیتی است که در آن تصمیم‌گیری، جمع‌آوری اطلاعات، بررسی، تجزیه و تحلیل و ارزیابی وضعیت موجود انجام، و پیامدهای رفتاری و گرفتن بازخورد در آن وضعیت از محیط اجتماعی توسط فرد ارزیابی می‌شود. روابط والد - فرزندی ممکن است دچار

1. Grolnick, McMenamy & Kurowski
2. Silverman & Ragusa
3. Baardstu, Karevold & von Soest
4. Semeniuk, Brown & Riesch
5. Yeh, Tsai, Hsu & Lin
6. Corsano, Majorano & Champretavy
7. Hallquist, Hipwell & Stepp
8. Erozkkan

تعارض شود. آنچه مهم است چگونگی برخورد والدین و فرزندان با مسائل است. چنانچه مسائل نوجوانان در خانواده حل نشود و ارتباطشان مبنی بر حل مسئله نباشد، ممکن است آنها را در خارج از خانه جستجو کنند که این امر می‌تواند نتایج منفی به دنبال داشته باشد. بر این اساس حل مسئله شامل چهار مرحله است: ۱. تعریف مسئله و ضابطه‌بندی آن ۲. تعیین هدف ۳. ارائه راه‌حلهای جایگزین ۴. اجرای راه‌حل و واریسی (دزوریلا و نزو^۱، ۲۰۰۱). حل مسئله به‌دلیل ایجاد تعارض در خانواده‌های با فرزندان نوجوان یکی از جنبه‌های مهم ارتباط است (سمینوک و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج پژوهشهای آنتونیز^۲ (۲۰۰۵) نشان داد که چنانچه نوجوانان، توانایی به‌کاربردن مهارتهای حل مسئله را نداشته باشند در برخورد با فشارها و بحرانهای دوران نوجوانی ناتوان می‌شوند و مشکلات رفتاری بیشتری را نشان خواهند داد. اگر ارتباط بین اعضای خانواده مبنی بر حل مسئله باشد، اعضا کمتر ناامید می‌شوند و در نهایت خود را در برابر رفتارهای بزهکارانه کنترل می‌کنند (کاوه، ۱۳۹۱؛ نقل از زارعی، میرزایی و صادقی‌فرد، ۱۳۹۷). طبق پژوهشهای شکوهی یکتا، اکبری زرد خانه، قهوه‌چی (۱۳۹۰) استفاده از مهارت حل مسئله در روابط والد - فرزند در تحول روانی و اجتماعی فرزندان تأثیر زیادی خواهد داشت. بسیاری از مطالعات نیز نشان می‌دهد ارتباط والد - فرزند بر مبنای حل مسئله باعث ایجاد تعاملات مثبت و افزایش نگرش مثبت به خود خواهد شد (بک، ویلیام، کتنگ، اپرلی و همکاران^۳، ۲۰۱۶). بنابراین با توجه به آنچه بیان شد ارتباط مبنی بر حل مسئله باعث بهبود کارکرد اجتماعی، رفتاری و شناختی دانش‌آموزان شده است.

با استناد به یافته‌های پژوهشی درباره تأثیرات رابطه والد - فرزند بر خودکنترلی نوجوانان، تصور می‌شود جنبه‌های مختلف رابطه والد - فرزند از نوع مثبت و باز با خودکنترلی نوجوانان، ارتباط داشته باشد. با اینکه در پژوهشها رابطه دوه‌دوی ارتباط والد - فرزند، حل مسئله و خودکنترلی مورد بررسی قرار گرفته در متون پژوهشی موجود هیچ مطالعه‌ای به یکپارچه‌سازی و بررسی روابط علی این متغیرها در قالب یک الگوی مفهومی نپرداخته است. بنابراین می‌توان سؤال اصلی پژوهش را این گونه مطرح کرد که آیا ارتباط مبتنی بر حل مسئله می‌تواند نقشی واسطه‌ای در رابطه کیفیت ارتباط والد - فرزند با خودکنترلی در دانش‌آموزان ایفا کند.

1. D'Zurilla & Nezu
2. Antonowicz
3. Beck, Williams, Cutting & Apperly

روش

جامعه آماری پژوهش را تمام دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کرمانشاه تشکیل می‌دهد که از این میان پس از کسب مجوزهای رسمی و اخلاقی و تضمین محرمانه ماندن مشخصات فردی ۲۴۰ دانش آموز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. نمونه‌گیری با انتخاب ده مدرسه در فرایندی دومارحله‌ای (انتخاب دو ناحیه از نواحی سه‌گانه آموزش و پرورش در وهله اول و پس از آن انتخاب دو مدرسه در هر ناحیه) انجام شد. کلاس، واحد تحلیل پژوهش بود و پرسشنامه‌ها ۱۵ دقیقه پس از توزیع در کلاس جمع‌آوری می‌شد. در نهایت تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۲ صورت گرفت.

ابزار

مقیاس ارتباط والد - فرزندی (PACS)

این ابزار برای سنجش چگونگی نگرش و ارتباطات باز خانوادگی در ارتباطات والد - فرزندی مورد استفاده قرار می‌گیرد که توسط بارنس^۱ و اولسن^۲ (۱۹۸۲) ساخته شد. این مقیاس آزمون مداد - کاغذی ۲۰ سؤالی است که بر مبنای طیف لیکرتی ۵ درجه‌ای (از شماره ۱ به معنای کاملاً موافق و تا شماره ۵ به معنای کاملاً مخالف) تنظیم شده است و دو خرده مقیاس ارتباطات باز و مشکل‌ساز را شامل می‌شود (بارونس اولسن، ۱۹۸۲). در مطالعه بارونس و اولسن (۱۹۸۲) اعتبار ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از خرده مقیاس ۰/۸۷ و ۰/۷۸ و در مطالعه سلس^۳ و همکاران (۲۰۰۲) ۰/۸۸ برای نمره کلی به دست آمد. هم‌چنین پایایی بازمایی در یک دوره زمانی ششماهه ۰/۸۹ و یکساله ۰/۹۹ محاسبه، و روایی سازه و نیز روایی ملاکی مطلوبی گزارش شد.

مقیاس خودکنترلی ادراک شده کودکان^۴ (CPSC)

مقیاس خودکنترلی ادراک شده ابزاری است یازده گویه‌ای که خودکنترلی را از دیدگاه شناختی رفتاری اندازه‌گیری می‌کند. پاسخهای گویه‌ها با دو گزینه معمولاً بله و یا معمولاً خیر تنظیم شده است. خودکنترلی بین فردی^۵، خودکنترلی شخصی^۶ و خودارزیابی^۷ خرده مقیاسهای

1. Barnes
2. Olson
3. Sales
4. Children's Perceived Self-Control (CPSC) SCALE
5. interpersonal selfcontrol
6. personal selfcontrol
7. self evaluation

این ابزار را تشکیل می‌دهد. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس خودکنترلی ادراک شده در مطالعه هامفرید (۱۹۸۲) دوره زمانی سه هفته‌گی برای نمره کلی ۰/۷۱ و خرده مقیاس‌های خودکنترلی بین فردی، خودکنترلی شخصی و خودارزشیابی به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۶۳ و ۰/۵۶ به دست آمد. هم‌چنین در این مطالعه روایی ملاک این ابزار مطلوب گزارش شد.

شاخص ارتباط حل مسئله^۱ (FPSC)

شاخص ارتباط حل مسئله، ابزاری ده گزاره‌ای است که برای سنجش چگونگی ارتباط خانواده‌ها در حل مسائل توسط مک کوبین، تامپسون و مک کوبین (۱۹۹۶) ساخته شد. این ابزار براساس یک طیف لیکرتی ۴ درجه‌ای (درست، تقریباً درست، تقریباً غلط و غلط) طراحی شده است. این شاخص دو خرده مقیاس ارتباط تأییدی (ما تا رسیدن به راه‌حل گفتگو می‌کنیم) و ارتباط مشکل‌ساز (مسائل را با نزاع و پیش کشیدن مسائل قدیمی حادث می‌کنیم) را شامل می‌شود. در مطالعه مک کوبین، تامپسون و مک کوبین (۱۹۹۶) ساختار دو عاملی این ابزار مورد تأیید قرار گرفت. ضریب پایایی باروش آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۸ محاسبه شد.

یافته‌ها

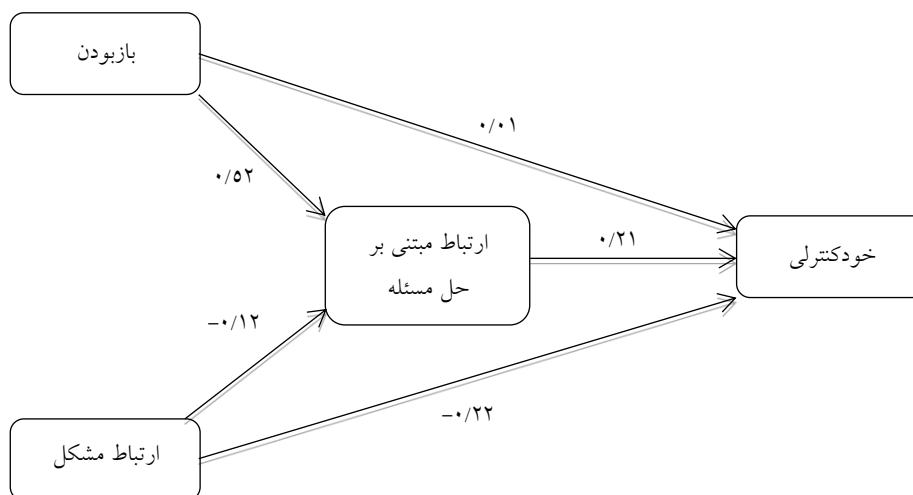
ویژگیهای جمعیت شناختی شرکت کنندگان بدین شرح است: دامنه سنی شرکت کنندگان در پژوهش ۱۵ تا ۱۹ سال با میانگین ۱۶ سال است (۱۵ سال، ۴۳؛ ۱۶ سال ۱۱۸؛ ۱۷ سال، ۴۸؛ ۱۹ سال، ۲ نفر). از نظر شرایط تحصیلی والدین می‌توان برای پدران ده نفر (۴/۴ درصد) بیسواد؛ ۳۰ نفر در حدخواندن و نوشتن (۱۳ درصد)؛ ۶۳ نفر سیکل (۲۷ درصد)، ۹۹ نفر دیپلم (۴۳ درصد)؛ ۲۴ نفر کارشناسی (۱۱ درصد) و برای مادران ۲۰ نفر (۹ درصد) بیسواد؛ ۴۸ نفر در حدخواندن و نوشتن (۲۱ درصد)؛ ۶۸ نفر سیکل (۲۷ درصد)، ۷۸ نفر دیپلم (۳۴ درصد)؛ ۱۴ نفر کارشناسی (۶ درصد) را گزارش کرد. هم‌چنین ۳۸ درصد از پاسخ‌دهندگان (۸۸ نفر) درآمد یک میلیون در ماه، ۳۳ درصد (۷۷ نفر) درآمد ۱ تا ۲ میلیون در ماه و ۱۳ درصد (۳۰ نفر) درآمد ۲ به بالا را گزارش کرده‌اند.

بنابراین داده‌های چهار متغیر مشاهده شده خودکنترلی، ارتباط مبتنی بر حل مسئله، بازبودن و رابطه مشکل‌ساز (خرده مقیاس‌های رابطه والد - فرزندی) براساس الگوی تحلیل مسیر (شکل) وارد

تحلیل، و با استفاده از نرم افزار Amos نسخه ۲۱ محاسبات انجام شد. نتایج تحلیل مسیر شامل ضرایب مسیر و معناداری آنها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
خودکنترلی	۱۷/۲۸	۱/۶۸
ارتباط مبتنی بر حل مسئله	۱۹/۷	۶/۴۱
بازبودن	۲۴/۵۳	۷/۲
ارتباط مشکل ساز	۲۸/۲	۵/۹



نمودار ۱. الگوی تحلیل مسیر متغیرها

جدول ۲. ضرایب‌های اثر مستقیم الگوی تحلیل مسیر

مسیر	ضریب مسیر	معناداری
بازبودن به ارتباط حل مسئله	۰/۵۲	۰/۰۰۱
ارتباط مشکل ساز به ارتباط حل مسئله	-۰/۱۲	۰/۰۵
بازبودن به خودکنترلی	۰/۰۱	۰/۹
ارتباط مشکل ساز به خودکنترلی	-۰/۲۲	۰/۰۱
ارتباط حل مسئله به خودکنترلی	۰/۲۱	۰/۰۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب مسیر بازبودن در رابطه به خودکنترلی معنادار نشده است. هم‌چنین ضرایب مسیر ارتباط مشکل‌ساز به ارتباط حل مسئله و خودکنترلی منفی شده است؛ این نتیجه به این معنا است که ارتباط مشکل‌ساز (والد - فرزندی) به اختلال در ارتباط مبتنی بر حل مسئله در خانواده و نیز خودکنترلی در دانش‌آموزان منجر می‌شود. هم‌چنین پس از محاسبه تأثیر غیرمستقیم متغیرهای برونزاد بر متغیر کیفیت رابطه با همسالان از روش بوت استراپ با ۸۰۰ نمونه‌گیری دوباره برای سنجش معناداری تأثیرات غیرمستقیم استفاده شد (کلانتری، ۱۳۹۲).

جدول ۳. نتایج بوت استراپ برای بررسی معناداری تأثیرات غیرمستقیم الگو

معناداری	حد بالا	حد پایین	اثر غیرمستقیم	مسیر غیرمستقیم
۰/۰۱	-۰/۰۴۸	-۰/۰۴۵	-۰/۰۵	بازبودن به خودکنترلی (با واسطه ارتباط حل مسئله)
۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۱۸	۰/۰۲	ارتباط مشکل‌ساز به خودکنترلی (با واسطه ارتباط حل مسئله)

اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که هم مسیر غیر مستقیم بازبودن به خودکنترلی و هم مسیر غیرمستقیم ارتباط مشکل‌ساز به خودکنترلی دانش‌آموزان با واسطه‌گری کیفیت رابطه والد - فرزندی در سطح $P < 0/01$ معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج جدول ۱ میانگین هر یک از ارتباطات والد - فرزندی باز، مشکل‌ساز و خودکنترلی به ترتیب برابر است با ۲۴/۵۳ و ۲۸/۲ و ۱۷/۲۸ و انحراف معیار هر یک به ترتیب است با ۷/۲ و ۵/۹ و ۱/۶۸ برابر است. هم‌چنین با توجه نتایج جدول ۲ ضریب همبستگی بین ارتباطات مشکل‌ساز، باز و خودکنترلی به ترتیب با ۰/۲۲- و ۰/۰۱ برابر است که ارتباط باز به خودکنترلی معنادار نشده است؛ اما ضریب ارتباط مشکل‌ساز به خودکنترلی از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. بنابراین یافته‌های تحلیل مسیر با توجه به اطلاعات جدول ۲ اثر معکوس ارتباط مشکل‌ساز به خودکنترلی را تأیید می‌کند؛ اما فرض اثر مستقیم ارتباط باز در روابط بر خودکنترلی رد می‌شود. این نتیجه با

یافته‌های برخی از مطالعات مانند برودی و جی^۱، ۲۰۰۱؛ فلدمن و ونتزال^۲، ۱۹۹۰؛ هالکویست و همکاران، ۲۰۱۵؛ سایمون، سایمون، چن و برادی^۳، ۲۰۰۷ همسو است. بنابراین در تبیین این یافته می‌توان گفت که این مطالعه نشان داد ارتباط مشکل‌ساز والد - فرزند خودکنترلی را پیش‌بینی می‌کند. والدین در این نوع از روابط هنگام نیاز بر نظارت و کنترل بر رفتارهای نامطلوب نوجوانان راهنمایی کمی را فراهم می‌آورند و با ایجاد محیط خانوادگی تنش‌زا، درونی کردن قوانین را در فرزندان به خطر می‌اندازند (لی و همکاران، ۲۰۱۹). نوجوانانی که خودکنترلی ضعیف دارند به پیامد رفتارشان نمی‌اندیشند و ارتباط مشکل‌ساز والدین، الگویی برای دیگر روابطشان خواهد شد. ارتباط مشکل‌ساز مانعی در برابر رفتارهای مناسب، روش صحیح ابراز احساسات و ابراز صحیح هیجانات و در نهایت به پایین آمدن سطح خودکنترلی منجر می‌شود؛ به عبارتی دیگر ارتباط والد - فرزندی بسته و پرتنش می‌تواند به کاهش سازگاری و عزت‌نفس و در نهایت به مشکلات ارتباطی منجر شود (گیراک و ایداک^۴، ۲۰۰۸).

نتایج پژوهش نشان داد که ارتباط مشکل‌ساز با خودکنترلی نوجوانان رابطه منفی دارد. رابطه والد - فرزندی گرم به مطرح کردن مسائل و مشکلات نوجوانان با والدینشان منجر می‌شود. بر این اساس انتخاب جنبه‌هایی از روابط والد - فرزندی پیش‌بینی‌کننده سطح خودکنترلی و رفتار بزهکارانه نوجوانان است. گروهی از پژوهشگران ارتباطات مشکل‌ساز والد - فرزندی و تعارضات خانوادگی را با خودکنترلی نوجوانان بررسی کردند و با به دست آوردن تفاوت‌های معنادار بین ارتباطات مشکل‌ساز و سطح خودکنترلی نشان دادند که رفتارهای پرخاشگرانه، بی‌اعتمادی در روابط، با سطح پایین خودکنترلی ارتباط دارد (ویلیام، هنریک، بارکل و فینکاور^۵، ۲۰۱۸؛ فینکاور، بایکون - تیک، باومایستر، اسکرومیکر و همکاران^۶، ۲۰۱۵؛ بریجی و همکاران، ۲۰۱۵؛ نیومن، هریس، دشیف و دیویس^۷، ۲۰۰۸؛ ایزر، ۲۰۰۵ و دیوید و کامینگ^۸، ۱۹۹۴). بنابراین می‌توان

-
1. Brody & Ge
 2. Feldman & Wentzel
 3. Simons, Simons, Chen, Brody & Lin
 4. Gyurak & Ayduk
 5. Willems, Hendriks, Bartels & Finkenauer
 6. Finkenauer, Buyukcan-Tetik, Baumeister & Schoemaker
 7. Newman, Harrison, Dashiff & Davies
 8. Davies & Cummings

گفت، روابط ناامن بین اعضای خانواده می‌تواند توانایی نوجوانان را در تنظیم کردن هیجانها و رفتارهای نامطلوب تضعیف کند. از سوی دیگر تجربیات خانوادگی در اوایل کودکی، نظارت ضعیف والدین، شناخت نادرست والدین از رفتارهای بزهکارانه کودکان، اصلاح نکردن رفتار نادرست کودک از عوامل تبیین کننده سطح پایین خودکنترلی است. علاوه بر این الگوهای رشدی خودکنترلی با سطحی از درگیرهای مراقبتی در زندگی نوجوان مرتبط است از سوی دیگر نوجوانانی که ارتباط والد - فرزندی گرمی ندارند و والدین نظارت کمتری بر آنها دارند، مهارتهای خودتنظیمی کمتری دارند. در واقع اگر سطح خودکنترلی قابل انعطاف باشد، ادامه دادن روابط والد - فرزندی گرم در طول دوران نوجوانی مهم است (فیکس، کلیفورد و برکات^۲، ۲۰۱۸).

یافته‌های پژوهش (جدول ۲) نشان داد که ضریب مسیر ارتباط باز و مشکل ساز به ارتباط حل مسئله به ترتیب برابر است با ۰/۵۲ و ۰/۱۲- که این رابطه‌ها معنی دار است. بنابراین یافته‌های تحلیل مسیر اثر مستقیم ارتباط باز و مشکل ساز بر ارتباط مبنی بر حل مسئله را تأیید می‌کند. این نتیجه با یافته‌های برخی از مطالعات همچون صمدی و سهرابی (۲۰۱۶) و اگچی و جنکاز^۳ (۲۰۱۱) همسواست. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به اینکه خانواده اولین محیط اجتماعی است که نوجوانان در آن ویژگی شخصیتی و اجتماعی خود را به دست می‌آورند، لذا ارتباطات نامناسب والد - فرزند به ایجاد رفتارهای ناخواسته و نادرست اجتماعی در نوجوانان منجر می‌شود که سهم بسزایی در کیفیت رابطه آنها با دوستان و همسالانش و به‌طور کلی شیوه پاسخگویی آنها به اوضاع مختلف اجتماعی دارد (صمدی و همکاران، ۲۰۱۶). از آنجا که افراد در زندگی خود با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند، آموختن چگونگی حل مؤثر مشکلات لازم است. بنابراین خانواده بستری را فراهم می‌کند که نوجوان در این مکان مهارتها، ارزشها و چگونگی برخورد با مسائل را می‌آموزند؛ بنابراین نوع ارتباطات والد - فرزندی، روند و محتوای آن در شکل‌گیری مهارتها و سازگاری با محیط مؤثر است (صمدی و همکاران، ۲۰۱۶). طبق نتایج پژوهش هر دو شکل این ارتباطات می‌توانند روابط علی مثبت و منفی با ارتباط مبنی بر حل مسأله در خانواده برقرار کنند.

Fix, Clifford & Burkhart
Egeci & Genco
3. Rogers & McKinney

براساس نتایج پژوهش انجام شده در خانواده‌هایی که رابطه والد - فرزندی باز حاکم باشد، فرزندان براحتهی با والدین خود ارتباط برقرار می‌کنند، این سهولت در ارتباط، موجب افزایش روحیه حل مسئله در فرزندان می‌شود و آنها از شیوه‌های درستی که از طریق راهنمایی والدین به دست آورده‌اند برای حل مسائل اجتماعی و فردی خود استفاده می‌کنند و براحتهی مسائل خود را با والدین در میان می‌گذارند و از کمک والدین خود استفاده می‌کنند. از سوی دیگر براساس نظر بندورا فرزندان در بستر ارتباطی باز و صریح والد - فرزندی می‌توانند شیوه صحیح حل مسئله را از والدین خود بیاموزند. در واقع در صورتی که از بستر ارتباطی خوب محروم شوند، امکان مشاهده و یادگیری اینکه اطرافیان و بویژه والدین، چگونه مسائل را حل و فصل می‌کنند، نخواهند داشت. نکته قابل ذکر اینکه فرزندان در رابطه والد - فرزندی بسته و مشکل‌ساز نه تنها امکان یادگیری مهارت حل مسئله را از دست می‌دهند بلکه الگوهای ناکارآمد ارتباط را می‌آموزند که به حل مسائل نمی‌انجامد (راجزر و مککینی، ۲۰۱۹). در این خانواده‌ها فرزندان حق اظهار نظر ندارند و مورد توهین و سرزنش قرار می‌گیرند؛ در این صورت والدین باید انتظار رفتار مشابه را از فرزندان داشته باشند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، نقش واسطه‌ای ارتباط مبنی بر حل مسئله در رابطه ارتباطات باز و مشکل‌ساز والد - فرزندی با خودکنترلی تأیید می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت نوجوانانی که توانایی حل مسئله را ندارند، هنگام روبه‌رو شدن با موانع، تکانشی برخورد خواهند کرد و کنترل خود را از دست می‌دهند (کسیدی، ۲۰۱۰). در تبیین دیگر این یافته‌ها می‌توان گفت چنانچه ارتباط والد - فرزندی بر مبنای ارتباط پر پایه حل مسئله نباشد، نوجوانان راه حل مسائل خود را در بیرون از خانه جستجو خواهند کرد و طبعاً این امکان وجود دارد که شیوه صحیحی برای حل مسائل خود نیاموزند و در نهایت به پایین آمدن سطح خودکنترلی در آنها منجر شود؛ به عبارت دیگر ارتباط مبنی بر حل مسئله به کنترل هیجانات منفی و کاهش تعارض نوجوانان منجر خواهد شد. به‌طور کلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد هر اندازه رابطه والد - فرزندی از کیفیت خوبی برخوردار باشد و والدین و فرزندان با هم رابطه متقابل داشته باشند به دلیل مفاهمه و درک متقابل آنها از یکدیگر به همان میزان نیز خودکنترلی و مهارت حل مسئله در نوجوانان افزایش می‌یابد. هم‌چنین هرگاه رابطه والد - فرزندی در خانواده‌ها بسته باشد، سطح خودکنترلی افراد پایین می‌آید. نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های زارعی، میرزایی و صادقی‌فرد (۱۳۹۷) نشان داد که ارتباط مبنی بر حل مسئله بین اعضای خانواده، خودکنترلی نوجوانان را افزایش می‌دهد. در واقع دانش

آموزان رشد یافته در خانواده‌های با رابطه والد - فرزندی بسته کمتر به خودکنترلی دست می‌یابند. بسته‌بودن رابطه والدین با فرزندان به افزایش هیجانات منفی در آنها (فرزندان) منجر می‌شود و همین هیجانات منفی بروز نشده منشأ رفتارهای پرخطر مانند پرخاشگری می‌شود که ناشی از عدم خودکنترلی است؛ چرا که با بسته‌بودن فضای ارتباطی خانواده، فرزندان امکان ظهور و بروز هیجانات خود را نمی‌یابند و در نتیجه مهمترین بستر یادگیری خودکنترلی را از دست می‌دهند. چنین افرادی نمی‌آموزند که چگونه می‌توان بر هیجانات خود در روابط بین فردی مسلط شد.

در این پژوهش به علت محدودیت اجرای تحقیق در مدارس پسرانه، پژوهش تنها روی دانش‌آموزان دختر انجام شده است و از این رو نتایج آن قابل تعمیم به جامعه پسران نیست. در سطح عملی، یافته‌های این پژوهش بر نقش و اهمیت کیفیت ارتباط والد - فرزندی بر خودکنترلی نوجوانان تأکید می‌کند. بنابراین به والدین پیشنهاد می‌شود که با دریافت آگاهیها و آموزش کافی بکوشند تا برای افزایش خودکنترلی فرزندانشان از ارتباطات باز در روابط والد - فرزندی استفاده کنند. هم‌چنین به مشاوران و درمانگران حوزه خانواده پیشنهاد می‌شود با برگزاری کلاسهای آموزشی و تربیتی، والدین را از نوع ارتباطشان با فرزندان و پیامدهای آن آگاه کنند و مهارتهایی را برای ارتباطات نزدیک و باز با فرزندان در اختیار والدین قرار دهند.

منابع

- زارعی، اقبال؛ میرزایی، میترا و صادقی‌فرد، مریم (۱۳۹۷)، ارائه الگویی جهت تبیین نقش مهارتهای ارتباطی و مهارتهای حل مسئله در پیشگیری از آسیبهای روانی و اجتماعی با میانجیگری تعارضات خانوادگی، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش ۹ (۳۵): ۱ - ۲۶.
- شکوهی‌یکتا، محسن؛ اکبری زرد خانه، سعید و قهوچی، فهیمه (۱۳۹۰)، اثر بخشی آموزش حل مسئله، مدیریت خشم بر سبکهای تربیتی، پرخاشگری و شادکامی مریبان پیش‌دبستانی، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، ش ۲ (۵): ۱۳۷ - ۱۱۶.
- صدری دمیرچی، اسماعیل؛ اسدی شیشه‌گران، سارا؛ قاضی، اسماعیل و ولویی، فریبا (۱۳۹۶)، اثربخشی آموزش برنامه مهارتهای هیجانی - اجتماعی بر کنترل خشم و مهارت حل مسئله اجتماعی در نوجوانان وابسته به مواد، مجله طب انتظامی، دوره ۶، ش ۱: ۶۷ - ۷۶.

- Agbaria, Q., & Natur, N. (2018). The relationship between violence in the family and adolescents aggression: The mediator role of self-control, social support, religiosity, and well-being. *Children and Youth Services Review*, 91, 447-456.
- Antonowicz, D. H. (2005). The reasoning and rehabilitation program, outcome evaluation with offende.

- Baardstu, S., Karevold, E. B., & von Soest, T. (۲۰۱۷). Childhood antecedents of Agreeableness: A longitudinal study from preschool to late adolescence. *Journal of Research in Personality*, ۶۷, ۲۰۲-۲۱۴
- Beck, S. R., Williams, C., Cutting, N., Apperly, I. A., & Chappell, J. (2016). Individual differences in children's innovative problem-solving are not predicted by divergent thinking or executive functions. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 371(1690), 20150190.
- Brewer, J. D., & Sparkes, A. C. (2011). Young people living with parental bereavement: Insights from an ethnographic study of a UK childhood bereavement service. *Social Science & Medicine*, 72(2), 283-290.
- Bridgett, D. J., Burt, N. M., Edwards, E. S., & Deater-Deckard, K. (2015). Intergenerational transmission of self-regulation: A multidisciplinary review and integrative conceptual framework. *Psychological bulletin*, 141(3), 602.
- Brody, G. H., & Ge, X. (2001). Linking parenting processes and self-regulation to psychological functioning and alcohol use during early adolescence. *Journal of Family Psychology*, 15, 82-94.
- Casey, B. J., Jones, R. M., & Hare, T. A. (2008). The adolescent brain. *Annals of the New York Academy of Sciences*, 1124, 111-126.
- Caspi, A., Houts, R. M., Belsky, D. W., Harrington, H., Hogan, S., Ramakha, S., & Moffitt, T. E. (2016). Childhood forecasting of a small segment of the population with large economic burden. *Nature Human Behaviour*, 1, Article 0005.
- Cassidy, T. (2010). Problem-solving style, achievement motivation, psychological distress and response to a simulated emergency. *Journal of Counselling Psychology Quarterly*, 15(4), 325-332.
- Corsano, P., Majorano, M., & Champretavy, L. (2006). Psychological well-being in adolescence: The contribution of interpersonal relations and experience of being alone. *Adolescence*, 41(162), 341-354.
- D'Zurilla, T. J., & Nezu, A. M. (2001). Problem-solving therapies. In Dobson KS (Ed) *Handbook of Cognitive-Behavioral Therapies*, 2nd ed. New York: Guilford Press
- Davies, P. T., & Cummings, E. M. (1994). Marital conflict and child adjustment: An emotional security hypothesis. *Psychological bulletin*, 116(3), 387.
- Denson, T. F. & Wilkowski, B. M. & C. N. & Friese, M. & Hofmann, W. & Ferguson, E. L. & Capper, M. M. & Kasumovic, M. M. (2016). "Thou Shalt Kill": Practicing self-control supports adherence To personal values when asked to aggress. *Journal of Experimental Social Psychology*. 1-8.
- Egeci, I. S., & Gencoz, T. (2011). The effects of attachment styles, problem-solving skills, and communication skills on relationship satisfaction. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 2324-2329.
- Erozkan, A. (2013). The Effect of Communication Skills and Interpersonal Problem Solving Skills on Social Self-Efficacy. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 13(2), 739-745.
- Feldman, S. S., & Wentzel, K. R. (1990). Relations among family interaction patterns, classroom self-restraint, and academic achievement in preadolescent boys. *Journal of Educational Psychology*, 82, 813-819.
- Finkenauer, C., Buyukcan-Tetik, A., Baumeister, R. F., Schoemaker, K., Bartels, M., & Vohs, K. D. (2015). Out of control: Identifying the role of self-control strength in family violence. *Current Directions in Psychological Science*, 24(4), 261-266.
- Finkenauer, C., Engels, R., & Baumeister, R. (2005). Parenting behaviour and adolescent behavioural and emotional problems: The role of self-control. *International Journal of Behavioral Development*, 29, 58-69.
- Fix, R. L., Clifford, J. E., & Burkhart, B. R. (2018). Parent-Child Relations and Delinquency Among African American and European American Juvenile Offenders: An Expanded Examination of Self-Control Theory. *Race and Justice*, 2153368718776052.

- Friehe, T. & Schildberg-Hörisch, H. (2016). Self-Control and Crime Revisited: Disentangling the Effect of Self-Control on Risk Taking and Antisocial Behavior. *International Review of Law and Economics*, 11; 1-35.
- Galla, B. M., & Duckworth, A. L. (2015). More than resisting temptation: Beneficial habits mediate the relationship between self-control and positive life outcomes. *Journal of Personality and Social Psychology*, 109, 508–525.
- Gottfredson, M. R., & Hirschi, T. (1990). *A general theory of crime*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Grolnick, W. S., McMenamy, J., & Kurowski, C. (1999). Emotional self-regulation in infancy and toddlerhood. In L. Balter & C. S. Tamas-LeMonda (Eds.), *Child psychology: A handbook of contemporary issues* (pp. 3–22). Philadelphia, PA: Psychology Press.
- Gyurak, A., & Ayduk, Ö. (2008). Resting respiratory sinus arrhythmia buffers against rejection sensitivity via emotion control. *Emotion*, 8(4), 458.
- Hallquist, M. N., Hipwell, A. E., & Stepp, S. D. (2015). Poor self-control and harsh punishment in childhood prospectively predict borderline personality symptoms in adolescent girls. *Journal of Abnormal Psychology*, 124, 549–564.
- Izer, W. (2005). Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children. Unpublished Master Thesis, University of Maryland. , Maryland.
- Janssen, H. J., Eichelsheim, V. I., Deković, M., & Bruinsma, G. J. (2016). How is parenting related to adolescent delinquency? A between-and within-person analysis of the mediating role of self-control, delinquent attitudes, peer delinquency, and time spent in criminogenic settings. *European Journal of Criminology*, 13(2), 169-194.
- Karreman, A., Van Tuijl, C., van Aken, M. A., & Deković, M. (2006). Parenting and self-regulation in preschoolers: A meta-analysis. *Infant and Child Development: An International Journal of Research and Practice*, 15(6), 561-579.
- Li, J. B., Delvecchio, E., Lis, A., Nie, Y.-G., & Di Riso, D. (2015). Parental attachment, self-control, and depressive symptoms in Chinese and Italian adolescents: Test of a mediation model. *Journal of Adolescence*, 43, 159–170.
- Li, J. B., Salcuni, S., & Delvecchio, E. (2019). Meaning in life, self-control and psychological distress among adolescents: A cross-national study. *Psychiatry research*, 272, 122-129.
- Li, J. B., Willems, Y. E., Stok, F. M., Deković, M., Bartels, M., & Finkenauer, C. (2019). Parenting and self-control across early to late adolescence: A three-level meta-analysis. *Perspectives on Psychological Science*, 14(6), 967-1005.
- Meldrum, R. C., Young, J. T. N., Hay, C., & Flexon, J. L. (2012). Does self-control influence maternal attachment? A reciprocal effect analysis from early childhood through middle adolescence. *Journal of Quantitative Criminology*, 28, 673–699.
- Moffitt, T. E., Arseneault, L., Belsky, D., Dickson, N., Hancox, R. J., Harrington, H., ... & Sears, M. R. (2011). A gradient of childhood self-control predicts health, wealth, and public safety. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 108(7), 2693-2698.
- Newman, K., Harrison, L., Dashiff, C., & Davies, S. (2008). Relationships between parenting styles and risk behaviors in adolescent health; an Integrative Literature Review. *Rev latino-am Enfermagem Janeiro Fevereiro*, 16 (1), 142-150.
- Özdemir, Y., Vazsonyi, A. T., & Cok, F. (2013). Parenting processes and aggression: The role of self-control among Turkish adolescents. *Journal of adolescence*, 36(1), 65-77.
- Padilla-Walker, L. M., & Christensen, K. J. (2011). Empathy and self-regulation as mediators between parenting and adolescents' prosocial behavior toward strangers, friends, and family. *Journal of Research on Adolescence*, 21, 545– 551.
- Patton, G. C., Sawyer, S. M., Santelli, J. S., Ross, D. A., Afifi, R., Allen, N. B., . . . Kakuma, R. (2016). Our future: A Lancet commission on adolescent health and wellbeing. *The Lancet*, 387, 2423–2478.
- Putnam, S. P., Spritz, B. L., & Stifter, C. A. (2002). Mother-child coregulation during delay of gratification at 30 months. *Infancy*, 3, 209–225.

- Rogers, M. M., & McKinney, C. (2019). Parent-Child Relationship Quality and Internalizing Problems as Predictors of Risky Sexual Behavior. *Journal of Family Issues*, 40(12), 1656-1676.
- Samadi, M., & Sohrabi, N. (2016). Mediating Role of the Social Problem Solving for Family Process, Family Content, and Adjustment. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 217, 1185-1188.
- Sameroff, A. (2010). A unified theory of development: A dialectic integration of nature and nurture. *Child Development*, 81, 6-22.
- Semeniuk, Y. Y., Brown, R. L., & Riesch, S. K. (2016). Analysis of the efficacy of an intervention to improve parent-adolescent problem solving. *Western journal of nursing research*, 38(7), 790-818.
- Silverman, I. W., & Ragusa, D. M. (1990). Child and maternal correlates of impulse control in 24-month-old children. *Genetic, Social, and General Psychology Monographs*, 116, 437-473
- Simons, R. L., Simons, L. G., Chen, Y. F., Brody, G. H., & Lin, K. H. (2007). Identifying the psychological factors that mediate the association between parenting practices and delinquency. *Criminology*, 45, 481-517.
- Situ, Q. M., Li, J. B., & Dou, K. (2016). Reexamining the linear and U-shaped relationships between self-control and emotional and behavioral problems. *Asian Journal of Social Psychology*, 19, 177-185.
- Steinberg, L. (2004). Risk-taking in adolescence: What changes, and why? *Annals of the New York Academy of Sciences*, 1021, 51-58.
- Trejos-Castillo, E; & Vazsonyi, A. T. (2011). Transitions into Adolescence. *Encyclopedia of Adolescence*, Elsevier Inc. 27, 69-375.
- van der Pol, L. D., Groeneveld, M. G., van Berkel, S. R., Endendijk, J. J., Hallers-Haalboom, E. T., & Mesman, J. (2019). Fathers: The interplay between testosterone levels and self-control in relation to parenting quality. *Hormones and behavior*, 112, 100-106.
- van Prooijen, D. L., Hutteman, R., Mulder, H., van Aken, M. A., & Laceulle, O. M. (2018). Self-control, parenting, and problem behavior in early childhood: A multi-method, multi-informant study. *Infant Behavior and Development*, 50, 28-41.
- Vazsonyi, A. T., Trejos-Castillo, E., & Huang, L. (2006). Risky sexual behaviors, alcohol use, and drug use: A comparison of Eastern and Western European adolescents. *Journal of Adolescent Health*, 39, 753.e1-753.e11.
- Willems, Y. E., de Zeeuw, E. L., van Beijsterveldt, C. E., Boomsma, D. I., Bartels, M., & Finkenauer, C. (2019). Out of Control: Examining the Association Between Family Conflict and Self-Control in Adolescence in a Genetically Sensitive Design. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*.
- Willems, Y., Li, J. B., Hendriks, A., Bartels, M., & Finkenauer, C. (2018). The relationship between family violence and self-control in adolescence: a multi-level meta-analysis. *International journal of environmental research and public health*, 15(11), 2468.
- Wymbs, B. T., & Pelham Jr, W. E. (2010). Child effects on communication between parents of youth with and without attention-deficit/hyperactivity disorder. *Journal of Abnormal Psychology*, 119(2), 366.
- Yeh, Y.C; Tsai, J.L; Hsu, W.C; Lin, C. F. (2014). A model of how working memory capacity influences insight problem solving in situations with multiple visual representations: An eye tracking analysis. *Thinking Skills and Creativity*, 13, 153-167.